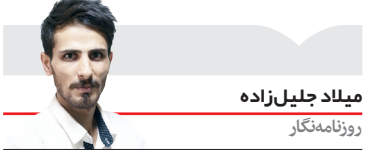


کت جادویی سینمای ایران



میلاد جلیلزاده روزنامه‌نگار

مردم ایران بازیگرانی رادر کشورشان می‌شناسند که گاهی دو سال یکبار فیلم بازی می‌کنند و بهترین‌ها و پرکارترین‌هاشان سالی دو بار جلوی دوربین می‌روند اما اتمبیل آنها آخرین مدل است و در بهترین نقاط شهر خانه دارند، سفرهای خارجی‌شان به راه‌است و مرتب خرج‌های جورواجور در زمینه‌های مختلف می‌کنند. این جمله حمید فرخ‌نژاد که ماهی ۱۰ هزار دلار (۱۳۰ میلیون تومان) برای خانواده‌اش به آمریکای فرستد، چنین سوالاتی رادر ذهن مردم ایران بسپار پرنگ‌تر از قبل کرد که وقتی بیش از ۹۰ درصد تولیدات سینمای ایران در بخش

غیرخصوصی و توسط دولت و نهادهای مختلف دیگر جلوی دوربین رفته است، این ثروت‌های عظیم چگونه در اختیار بازیگران سینمای ایران قرار گرفته‌اند؟ آیا این پول‌ها غیرنفتی اندوربطی به بیت‌المال ندارند؟ باور چنین چیزی بسیار سخت است. سازمان سینمایی فارابی، سازمان فرهنگی، رسانه‌های اوج و سازمان صداوسیما سه مرکز عده‌های هستند که فیلم‌های سینمای ایران در آنها تولید می‌شوند. آیا دستمزدهای نجومی بازیگران سینمای ایران، غیر از مواردی که با پولشویی مرتبط است، از مجاری دیگری به جز این نهادهای سه‌گانه تامین می‌شوند؟ چند وقت پیش بود که شورای مرکزی کانون کارگردانان سینمای ایران با صدور بیانیه‌ای از دستمزدهای بالای بازیگران به شدت انتقاد کرد. این بیانیه تنها خبری نبود که طی چند ماه گذشته در این باره مطرح می‌شود. دستمزدهای نجومی هنرپیشگان سینمای ایران

دیگر از حد خبرهای تفریحی و تفننی گذشته است و زنگ خطر به صدا درآمده‌اند. در ادامه گفت‌وگو با سه نفر از اهالی سینمای ایران که از سه طیف هنری مختلف هستند رادر باره دستمزدهای نجومی بازیگران و خطرات آن برای سینمای ایران می‌خوانید. داریوش باباییان یکی از پرکارترین و قدیمی‌ترین تهیه‌کنندگان تجاری سینمای ایران است و ابراهیم اصغری تهیه‌کننده‌ای است که با بیش از ۲۰ سال سابقه، تمام فیلم‌هایی که تا به حال ساخته در حوزه دفاع مقدس بوده‌اند. در کنار این دو تهیه‌کننده که از دو نگاه هنری مختلف در سینمای ایران هستند، خسرو معصومی هم به سینمای روشنفکری تعلق دارد و هم عضو شورای عالی کانون کارگردانان سینمای ایران است که درباره ورود پول‌های کلان مشکوک به سینما و افزایش نجومی دستمزد بازیگران بیانیه صریح و پر سروصدا صادر کردند.



گفت‌وگو

پولشویان چهره‌های مشهور بازیگری را در دستان شان گرفته‌اند



همین سرمایه‌گذاران کلان که به نیت پولشویی وارد سینما شده‌اند، تعدادی از چهره‌های مشهور بازیگری را زیر دست خودشان گرفته‌اند و کس دیگری نمی‌تواند با آنها کار کند. تهیه‌کنندگان دیگری گویند ما می‌خواهیم با فلان بازیگر صحبت کنیم اما مخ آن شخص با این بهانه که تا دو سال آینده برنامه دارم، قبول نمی‌کند. اما نکته اینجا است که آن بازیگر نه قراردادی دارد و نه برنامه‌ای. منتظر است آن آدمی که پول زیادی به او می‌دهد کار فعلی‌اش را تمام کند و دوباره با او قرارداد ببندد. در حال حاضر اکثریت تهیه‌کنندگان با این موضوع دست به گریبان هستند که نمی‌توانند با این بازیگران کار کنند. خیلی‌ها دوست دارند که با آقایان فرخ‌نژاد، عطاران، عزتی، گلزار و بقیه کار کنند، اما کار کردن با اینها سخت یا غیرممکن است. بسیاری از تهیه‌کنندگان الان دچار یاس و ناامیدی هستند و دارند دفا ترشان را می‌بینند چون نمی‌توانند بپذیرند که با افراد درجه دو، سه و چهار فیلم بسازند و سینما دار فیلم‌شان را اکران نکنند و اگر هم اکران داشته باشند، با یک یادو سانس این اتفاق بیفتد که در نهایت باعث نابودی فیلم شود. از بین دوستان من آقایان نوراللهی، قزل ایام، بلوریان و خیلی‌های دیگر هستند که دفا ترشان در حال تعطیل شدن است. ما در توان مان نیست که دستمزد این بازیگران را بدهیم؛ برای همین حتی فکرش را هم نمی‌کنیم که برای کار به آنها پیشنهاد بدهیم. یک تهیه‌کننده بخش خصوصی که پول‌های آنچنانی و بی‌حساب ندارد، نمی‌تواند فیلم پنج میلیاردی بسازد و وقتی که تنها یک میلیارد سرمایه برای تولید یک فیلم وجود دارد، ما دیگر ریسک نمی‌کنیم که به چنین بازیگرانی پیشنهاد بدهیم. باید از طریقی قانونمند، دستمزدها به یک ثباتی برسند و جو ری برنامه‌ریزی شود که همه بتوانند از این بازیگران استفاده کنند.»

داریوش باباییان، تهیه‌کننده سینما در گفت‌وگو با «فرهنگینگان» گفت: درصد قابل توجهی از هزینه تولید فیلم‌های سینمای ایران به دستمزد بازیگران تعلق می‌گیرد. در شرایط عادی، وقتی فیلمی قرار باشد در گیشه بفروشد، ممکن است تا ۵۰ درصد از هزینه تولید آن، صرف پرداخت دستمزد بازیگران بشود. اما تعدادی از فیلم‌ها هستند که در آنها پولشویی می‌شود و نمونه آنها را در سال‌های اخیر زیاد دیده‌ایم. به عبارتی سرمایه‌گذاران این فیلم‌ها به بازیگران‌شان دستمزد نمی‌دهند، بلکه اساساً هدف‌شان از آوردن چنین پول‌هایی به سینما چیزهای دیگر است. آنها بازیگران را خریده‌اند و در چنته و دایره خودشان نگاه داشته‌اند و با آنها قراردادهای میلیاردی می‌بندند. حالا پشت قضیه چه اتفاقی می‌افتد و چه کاری انجام می‌شود یا کمی کالبدشکافی مشخص خواهد شد. در این نوع فیلم‌ها ۱۰ درصد هزینه، صرف پشت‌صحنه می‌شود و ۹۰ درصد برای بازیگران است. از طرفی، سرمایه‌گذاری که پول‌ها را آورده، معلوم نیست از کجا این پول‌ها را می‌آورد و آیا در رابطه با مسائل سیاسی یا رانت‌خواری بوده. اینها سینمای ایران را از بین برده‌اند؛ چون فیلمی که در آن بی‌حساب و کتاب خرج شده و برای سرمایه‌گذارش هم مهم نیست که بفروشد یا نه، طبیعت منطق تجاری سینما را به هم می‌ریزند.

در چند سال گذشته که این وضع شدت گرفته، اکثریت کسانی که ۴۰ یا ۵۰ سال سابقه تهیه‌کنندگی و مدیریت تولیدی دارند، از گردونه فعالیت دور شده‌اند و در خانه نشسته‌اند و یک عده آدم جدید با پول‌های آیند و سرمایه می‌سازند؛ هر فیلمی هم که آنها با سرمایه خودشان بسازند؛ در اکران ناموفق می‌شود؛ یعنی فیلمی که ۱۰ میلیارد خرج آن شده، باید لااقل ۲۰ تا ۳۰ میلیارد بفروشد تا سرمایه‌اش برگردد اما اینها با این پول‌های بی‌حساب و کتاب، در کنار خودشان ۱۰ فیلم دیگر را له می‌کنند. مدیریت اکران که همان رئیس سازمان سینمایی است باید چنین وضعی رادر مدیریت و ساماندهی کند و روال طوری باشد که همه کار کنند و همه تهیه‌کننده‌ها بتوانند از همه هنرپیشه‌ها با قیمت معقول استفاده کنند و این نباشد که فلان بازیگر و فلان ستاره کلا در اختیار یک دفتر یا یک تهیه‌کننده خاص باشد و بقیه فیلم‌ها ضربه بزنند.» وی درباره فروش فیلم‌هایی که در آنها پولشویی می‌شود، گفت: «اینها می‌آیند و یک سری فیلم‌ها را با دستمزدهای سنگین بازیگران می‌سازند؛ خودشان که تولید نمی‌کنند؛ تهیه‌کننده صوری می‌گذارند و درصدی هم به او می‌دهند. اینها برایشان مهم نیست که مثلاً هزینه تولید فیلم ۱۸ میلیارد تومان شده است و مثلاً به یک بازیگر یک و نیم میلیارد و به بازیگر دیگر یک میلیارد دستمزد می‌دهند. همین باعث می‌شود که این بازیگر دیگر در فیلم‌هایی با قیمت ۲۰۰ میلیون یا ۱۰۰ میلیون تومان بازی نکند. برای آن سرمایه‌گذار اصلاً مهم نیست که فیلم بفروشد یا نه. فقط خوشحال است که در جایی آمده و سرمایه‌ای آورده و کارهای خودش را پیش برده است. این کلا لطمه‌زن به سینماست و تمام سیستم و الگوی فیلمسازی را به هم می‌زند.» وی درباره اینکه برخی بازیگران با اینکه سالی دو فیلم بیشتر بازی نمی‌کنند، اما امکانات رفاهی زیادی دارند، گفت: «ما اگر ۱۰۰ تهیه‌کننده در سینما داشته باشیم؛ ۹۵ نفرشان همین حرف‌های ما را خواهند زد؛ یک عده از

برخی نهادهای ارزشی در بالا رفتن دستمزد بازیگران بی‌تاثیر نیستند



ابراهیم اصغری تهیه‌کننده سینما در گفت‌وگو با «فرهنگینگان» گفت: «با شرایطی که برای دستمزد بازیگران در چند سال اخیر ایجاد شده، بیشتر هزینه فیلم‌ها به پرداخت این دستمزدها اختصاص داده می‌شود. تا چند سال پیش دستمزد بازیگران حداکثر ۲۰ الی ۳۰ درصد از هزینه ساخت فیلم بود اما امروزه این نسبت به شدت افزایش داشته است.»

یک بازیگر نسبت به یکی از عوامل دیگر فیلم که سال‌ها تجربه هم دارد، حدود ۱۰۰ برابر دستمزد می‌گیرد که این غیرعاده‌انه است. حتی در سال‌های اخیر این اتفاق افتاده که چون متوسط دستمزد بازیگران بالا رفته است، برای پرداخت قرارداد آنها از حقوق سایر عوامل کسر می‌کنند و با تجربه‌ترین عوامل سینما هم به خاطر کم شدن کار و اینکه ناچارند جهت امرار معاش پروژه را قبول کنند، با این وضعیت کنار می‌آیند.» اصغری بخش عمده‌ای از ایجاد شدن چنین وضعی را مربوط به پولشویی در سینما دانست و گفت: «کسانی که همکار حرفه‌ای و قدیمی ما نیستند و به واسطه پول‌های کلان و با مقاصد خاص به سینما آمده‌اند، با این پول‌های عجیب، تعدادی از بازیگران را به لحاظ مالی راضی نگه می‌دارند و کاری می‌کنند که تحت کنترل خودشان باشند. چنین چیزی هم مربوط به بخش خصوصی سینما هم مربوط به مجموعه‌های غیر خصوصی و نهادهای مختلف و سازمان‌ها می‌شود. متولیان چنین نهادهایی برای اینکه آثارشان بیشتر مورد توجه قرار بگیرد و ضعف‌هایشان در بخش‌های دیگر پوشش داده شود، حاضرند هزینه‌هایی نجومی برای جذب و حفظ این بازیگران پرداخت کنند و پروژه‌هایشان را به سرانجام برسانند. این معضل، هم فیلم‌های ارزشی را در بر می‌گیرد و هم مجموعه‌های ارزشی را که وابسته به نهادهای انقلابی هستند. این نهادها به هر حال مدیرانی دارند که ترجیح می‌دهند به اصطلاح خودشان به جای کار کردن با بچه مسلمان‌ها، با آدم‌هایی کار کنند که بتوانند توسط آنها و بهترین‌شان را کامل کنند، آدم‌هایی که مدیران بتوانند با آنها عکس بگیرند و کاری هم به این ندارند که این بودجه چه آسیبی به سینما می‌زند و در کنار این بی‌عدالتی، چه تعداد افرادی هستند که خانه‌نشین یا کم‌کاری می‌شوند. حتی گاهی این مجموعه‌ها سطح دستمزد بازیگران را بالاتر هم می‌برند. این نوع کارها باعث تبلیغ ارزش‌ها نمی‌شود، بلکه فقط برای این آدم‌ها، برای این مدیران و برای این مجموعه‌ها جنبه تبلیغاتی دارد. این مدیران بیشتر به فکر خودشان هستند، فکر اینکه چهار روز بعد از این نهاد بیرون رفتند، برای خودشان جایی در این سینما داشته باشند. این رفتارها ممکن است در کوتاه‌مدت به نفع چنین مجموعه‌هایی به نظر برسد اما در بلندمدت به ضرر آنها و به‌طور کل به ضرر سینمای ایران است. متأسفانه ما سال‌ها پیش می‌شنیدیم که حتی در جایی مثل صداوسیما برای اینکه می‌خواستند چند بازیگر مطرح را جذب کنند، حاضر بودند پول‌های اضافه و جداگانه‌ای هزینه کنند. مدیران سازمان می‌دادند، این در حالی بود که خود تهیه‌کنندگان راغب به این کار نبودند. مثلاً یک بازیگر برای حضور در یکی از سریال‌های تلویزیونی متقاضی دستمزدی بود که تهیه‌کننده کار مطابق برآوردی که داشت، این هزینه را نمی‌توانست بپردازد. اما مدیران سازمان می‌گفتند که چک ایشان را ما جداگانه می‌دهیم و ایشان حتماً در فلان سریال بازی کنند. مدیران این کارها را می‌کردند تا خودشان بیشتر دیده شوند اما با همین کار خود به خود میانگین دستمزد بازیگران را بالا می‌برند. مثلاً مرحوم خسرو شکیبایی می‌گفت به من سریالی پیشنهاد شده بود و من برای اینکه مایل نبودم در آن کار باشم، رقم بالایی را به عنوان دستمزد پیشنهاد دادم اما مدیران سازمان جلسه‌ای گذاشتند و در آن جلسه، چک دستمزد من را امضا کردند و من به داند و من هم رقم و در آن سریال بازی کردم.»

سریال‌های فله‌ای شبکه نمایش خانگی مافیاساختند



خسرو معصومی کارگردان سینما در گفت‌وگو با «فرهنگینگان» گفت: «فیلم‌های من تجربی و کم‌هزینه است و در آنها اکثر از هنرپیشه‌های غیرچهره استفاده می‌شود اما من هم موردی داشته‌ام که یک هنرپیشه در برابر پیشنهاد برای بازی‌اش در فیلمم گفت: ابتدا ۴۰۰ میلیون تومان به حساب من بریزند تا بعداً ببایم و راجع به بازی در فیلم شما صحبت کنم. حالا اگر بعداً در معامله ما اتفاقی می‌افتاد و ایشان اصلاً این فیلم را بازی نمی‌کرد به هر حال آن ۴۰۰ میلیون تومان را گرفته بود و رفته بود.» معصومی درباره نهادهای دیگری که کانون کارگردانان از آنها خواسته بود تا درباره بودجه‌شان شفاف‌سازی کنند به سازمان فرهنگی نداشته باشند، توقع دارید کسی مثل خسرو معصومی صداقت داشته باشد؟ «معصومی در ادامه گفت: «وقتی من وارد سینما شدم و کار حرفه‌ای را شروع کردم، آقای فرخ‌نژاد هنوز به این وادی‌ها نیامده بود اما من هنوز مستاجر و ایشان بابت ماهی ۱۳۰ میلیون تومانی که باید برای خانواده‌اش به آمریکا بفرستد، شاک می‌شد. ضربه اول و اصلی به سینمای ایران را دستمزد بازیگران می‌زند. یک علت اصلی آن هم این سریال‌های فله‌ای شبکه نمایش خانگی است که مثلاً می‌آیند و ماهی یک میلیارد تومان به آقای گلزار دستمزد می‌دهند. این یک مافیاست که تمام اجزای آن دست‌به‌دست یکدیگر داده‌اند و سینمای ایران را به سمت سوپی برده‌اند که خودشان می‌خواستند. سینمای ایران را همین مساله دستمزد بازیگرها نابود خواهد کرد، مگر اینکه مسئولان وارد شوند و اساساً جلوی بعضی از فیلم‌ها را بگیرند. در دهه ۶۰ فیلم‌ها درجه‌بندی کیفی «الف»، «ب» و «جیم» داشتند و اگر اثری کیفیتش پایین بود، می‌دانست که در اکران به او جایگاه نمی‌دهند. اما الان فقط لازم است در یک فیلم چند چهره شاخص وجود داشته باشند تا بهترین اکران نصیبش شود. همین مساله سینمای ایران را به شدت دچار ابتذال کرده است. الان می‌بینید که فیلم‌های کم‌مدی روی پرده هستند در حالی که ماه محرم است، آن هم چه کم‌مدی‌هایی؟ آیا اینها مثل فیلم «اجاره نشین‌ها» فاخر هستند؟ هرگز! اصلاً نمی‌توانید آنها را با خانواده ببینید. نظام اخلاق مدار جمهوری اسلامی رسالتش این نیست.»

چارسو

پلمب یک انبار کتاب قاچاق در انقلاب

کارگروه صیانت از حقوق ناشران و پدیدآورندگان در اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران از کشف یک انبار کتاب قاچاق و همکاری پلیس امنیت و با دستور قضایی، طی عملیاتی خبر داد. در ادامه اقدامات کارگروه صیانت از حقوق ناشران و پدیدآورندگان، روز سه‌شنبه شانزدهم مهرماه ۹۷، کارشناسان این کارگروه با مساعدت و همکاری پلیس امنیت و دستور قضایی، موفق به کشف یک انبار کتاب قاچاق در محدوده خیابان انقلاب شد. براساس گزارش کارگروه یادشده، کتاب‌های جمع‌آوری شده در این عملیات که در حجم یک و انت‌تبار است، با دستور قضایی توقیف و انبار مربوطه توسط پلیس امنیت پلمب شد. کارگروه صیانت از حقوق ناشران و پدیدآورندگان اعلام کرده که با اقامه شکایت ناشران متضرر از متهمان، وکیل اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به وکالت از شاکیان مبادرت به اقامه دعوی در مراجع ذی صلاح خواهد کرد. قاچاق کتاب، طی این سال‌ها، به ناشران که چندین و چند سال است در این عرصه فعالیت می‌کنند، ضررهای هنگفتی زده است، کتاب‌هایی که در همین خیابان انقلاب، تکثیر می‌شوند و بعد هم به کتابفروشی‌ها یا همان دستفروشان کتاب خیابان انقلاب فروخته می‌شوند و کسی به ناشر واقعی آن کتاب‌ها هم فکر نمی‌کند که با فروخته شدن کتاب کپی شده چه بلایی سرشان می‌آید.

شکایت از ۳ خواننده مشهور کشور

خبر شکایت ورثه رحیم معینی کرمانشاهی -شاعر و ترانه‌سرا- از فرزند فرزند، محمد معتمدی و سالار عقیلی، با دیگر بحث‌ها را سر موضوع کپی‌رایت داغ کرد و خلاهای قانونی را در این زمینه به چالش می‌کشد. چندی پیش نیز اردلان سرفراز -ترانه‌سرای مقیم خارج از کشور- از سه خواننده دیگر (علی لهراسی، سینا سرلک و رضا صادقی) در زمینه استفاده بدون اجازه از ترانه‌اش شکایت کرده بود. حسین معینی کرمانشاهی، فرزند رحیم معینی کرمانشاهی در گفت‌وگویی با «ایسنا» گفته است: «این آقایان سال‌هاست این آثار را بدون اجازه می‌چاپند. آقای سالار عقیلی چند سال پیش این ترانه‌ها را خواند و الان می‌گوید صداوسیما به من اجازه [این کار] را داده است، اصلاً صداوسیما چه کاره است؟ مگر صداوسیما صاحب آثار است که این [شعرها] را به شما بدهد؟» او در پاسخ به اینکه آیا به این خواننده‌ها تذکری داده یا خیر؟ می‌گوید: «سرت که تذکر نمی‌خواهد، وقتی انجام شد هم تذکری ندارد. این سه نفر تنها نیستند، [آنها] ۱۰ نفر هستند این داستان باید به تدریج جلو برود. قصد شلوغ‌بازی کردن نیست، اجازه بدهید این [ماجرا] از طریق عادی و قانونی جلو برود. پدر من تا آخر عمرش اجازه‌نشین بود و من هم الان اجازه‌نشین هستم. حالا چرا باید مملکت به یک‌سری که این کارها را انجام می‌دهند اجازه بدهد؟ عده‌ای که ظاهرًا به خود استاد هم می‌گویند.»

انتقاد محمود کریمی از سطح نازل موسیقی در صداوسیما

محمود کریمی، مداح اهل بیت (ع) همچون دیگر مداحان و واعظان که به برنامه افتتاحیه رادیو اربعین رفته بود در این برنامه نسبت به بی‌برنامگی در برنامه‌های موسیقی صداوسیما انتقاد کرد. او در این برنامه گفته است: «رادیو اربعین می‌تواند کار ارزشمند زیادی انجام دهد و در طول سال این رادیو را داشته باشیم و الزاماً مداحی، روضه و هیات نباشد و حضور مؤثری در سبک زندگی ایرانی، اسلامی و ارائه تربیت و پرورش مناسب داشته باشد. حداقل بهتر از این همه ساز و موسیقی در شبکه‌های مختلف صداوسیماست.» کریمی با اشاره به اینکه رادیو اربعین را جدی بگیریم، خاطرنشان کرد: «من خواهش می‌کنم این نوع کارها که مسبب توسعه فرهنگ دین و اسلام می‌شود را بیشتر جدی بگیرید تا جامعه به یک بالندگی اسلامی برسد.» این مداح اهل بیت ضمن درخواست راه‌اندازی رادیو اهل بیت و ماندگاری رادیو اربعین در فصول مذهبی دیگر، افزود: «زمانی رادیو قرآن، روضه هم پخش می‌کرد و امروز با وجود این همه شبکه‌های رادیویی نغمه‌های مذهبی بیشتر به گوش می‌رسد. خواهش می‌کنم به جای اینکه این همه صدای من را پخش کنید، مقداری صداهای دیگر مداحان جوان را هم پخش کنید.»

روایت‌های دست‌اول از زندگی شهید همدانی در شبکه افق

برنامه تلویزیونی «عصر» در جدیدترین قسمت خود روایت‌های شنیده نشده از سردار شهید حسین همدانی را روایت می‌کند. حسین همدانی پاسدار و سردار نخبه ایرانی بود که سه سال قبل در جریان مبارزه با تروریسم تکفیری در سوریه به شهادت رسید. او تأثیر مهمی در راه‌اندازی دفاع وطنی سوریه داشت و توانست در بحرانی‌ترین روزهای سوریه، مردم را علیه داعش و تکفیر سامان دهی کند. درست در سال ۱۳۹۱ وقتی قبح ریاست جمهوری پشار اسد به محاصره تکفیری‌ها درآمد، پیشنهاد نجات‌بخش سردار همدانی در روزهای بعد این عقبنشینی‌ها توانست تکفیری‌ها را یک‌گام به عقب ببرد؛ در روزهای بعد این عقبنشینی‌ها جنبه به جبهه و شهر به شهر پیش رفت. سردار شهید «حاج حسین همدانی» این افتخار را دارد که دو «نشان فتح» از دست مقام معظم رهبری به خاطر هدایت و فرماندهی موفق لشکرهای تحت امرش در دوران دفاع مقدس کسب کند. نادر طالب‌زاده در برنامه «عصر» این هفته میزان حسین بهزاد و گلغلی بابایی دو پژوهشگر و نویسنده دفاع مقدس است تا ماجراهای تازه‌ای از زندگی و جهاد شهید همدانی روایت کنند. برنامه تلویزیونی «عصر» با اجرای نادر طالب‌زاده پنجشنبه‌ها ساعت ۲۲ از شبکه افق و جمعه‌ها بعد از خبر ۱۴ از شبکه یک سیما پخش می‌شود.